

توسعه مدیریت دارایی‌های نامشهود

سرمایه فکری؛ نمادهای آشکار از دانشی ناپیدا



گزارش اصلی

دارایی‌های ناپیدای بنگاه‌ها از نگاه حسابداران سنتی پنهان است. در شیوه‌های مرسوم حسابداری سرمایه‌های فیزیکی در فهرستگان دارایی‌های شرکت‌ها قرار گرفته و ارزش گذاری می‌شود.

اما اصلی‌ترین و پایدارترین دارایی یعنی سرمایه فکری بنگاه‌ها در مسیر نگاه ارزیابان قرار نمی‌گیرد. دیوارها و دودکش‌ها، ماشین‌آلات، زمین و سرمایه‌های غیر قابل انتقال و به طور کلی دارایی‌های مشهود و فیزیکی از گذشته‌های دور ملاک و معیار ارزش گذاری و قیمت گذاری بنگاه‌های اقتصادی بوده است. اما نظام نوین ارزش گذاری و حسابداری در چند دهه اخیر به سوی شناسایی و سنجش سرمایه فکری سازمان‌ها گام برداشته است. در نخستین گام‌ها کسانی که در وادی دارایی‌های فیزیکی به دنبال ارزش‌های نوین بودند؛ موضوع کارکنان حرفه‌ای را مطرح کردند. آنها بر این باور بودند که کارکنان حرفه‌ای و ماهر در کنار دارایی‌های فیزیکی ارزش واقعی هر شرکت را مشخص می‌سازد.

گام بعدی تحلیل‌گران ادبیات مدیریتی جهان را به مفهوم «سرمایه فکری» نزدیک‌تر ساخت. در این مرحله میزان بهره‌مندی شرکت از تکنولوژی‌های نوین به همراه دارایی‌های فیزیکی مشهود باید و شناس ارزش گذاری قرار گرفت. اما تجزیه‌ها نشان داد که پایداری در سرشت دو عامل کارکنان حرفه‌ای و تکنولوژی نوین وجود ندارد. زیرا کارکنان حرفه‌ای به علل گوناگون شرکت را ترک می‌کنند و تکنولوژی‌های پیشرفته در گذر زمان کهنه می‌شود.

از دو دهه پیش تاکنون برای بومیایی و پایدار کردن دارایی‌های نامشهود بنگاه‌ها در مسیرهای نوین گام برداشته شد. در میان این شیوه‌های نوین مفهومی تحت عنوان «مدیریت توسعه سرمایه فکری» مطرح شد. این شیوه مدیریتی مبتنی بر شناسایی و سنجش دارایی‌های نامشهود بنگاه و توسعه این دارایی‌ها همبازی ارزش افزایی بیشتر دارایی‌های فیزیکی است.

در واقع مدیریت سرمایه فکری دارایی‌های ناپیدای فکری همیشگی و غیر قابل استهلاک بنگاه‌ها را توسعه می‌دهد و زمینه بالا بردن ظرفیت ارزش افزایی دارایی‌های فیزیکی را فراهم می‌کند. مدیریت توسعه سرمایه فکری دانش کارکنان حرفه‌ای را از حالت ناپایدار خارج ساخته و امکان تبدیل شدن این دانش‌ها را به دانش سازمانی فراهم می‌کند. مدیریت توسعه دانش فکری دانش کارکنان حرفه‌ای را نهادینه ساخته و به دارایی‌های تحت مالکیت فکری سازمان تبدیل می‌کند.

مدیریت توسعه سرمایه فکری بر عامل ناپایداری تکنولوژی چیرگی یافته و سازمان را به قابلیت دستیابی به تکنولوژی‌های درون‌زا می‌رساند. مدیریت توسعه سرمایه فکری با اتکا به سرمایه‌ها و دارایی نامشهود فکری زمینه ایجاد و توسعه قابلیت‌های به کارگیری فناوری‌های جدید بنگاه و به روزآمدسازی درونی آنها را فراهم می‌سازد.